

# ترتیب زمانی برگزاری

## همایش بزرگداشت استاد رشید شهردان

- ۱۵:۳۰ اجرای بندهایی از گاتها و پخش سرود ملی
- ۱۵:۴۰ ارائه گزارش توسط دبیر همایش
- ۱۵:۵۰ سخنرانی آقای دکتر کسری وفاداری  
توضیح در مورد نحوه برگزاری همایش و خواندن پیام موبد کورش نیکنام نماینده
- ۱۶:۱۰ زرتشتیان درمجلس شورای اسلامی
- ۱۶:۲۰ ارائه نوشتار آقای شهپریار هیربد
- ۱۶:۵۰ ارائه نوشتار آقای موبد پدرام سروش پور
- ۱۷:۲۰ ارائه نوشتار آسرونان توسط آقای کامران لریان
- ۱۷:۵۰ روایت گری شاهنامه توسط استاد امیر صادقی
- ۱۸:۲۰ پذیرایی
- ۱۸:۴۰ سخنرانی آقای دکتر علی قلی محمودی بختیاری
- ۱۹:۰۰ ارائه پیام آقای موبد اردشیر خورشیدیان به عنوان رئیس انجمن موبدان تهران
- ۱۹:۱۰ ارائه نوشتار خانم گوهر تاج کوچکی ( خادم )
- ۱۹:۴۰ ارائه نوشتار موبدیار رستم خسرویانی
- ۲۰:۱۰ ارائه نوشتار آقای بوذر جمهر پرخیده
- ۲۰:۴۰ اجرای گروه کر انجمن یانش و ران مانتره
- ۲۰:۵۵ مراسم پایانی

# نگاهی کوتاه بر زندگی استاد رشید شهردان

۱۶ فروردین ۱۲۸۴ شمسی برابر با ۵ آوریل ۱۹۰۵ هم زمان بود با تولد رشید شهردان، مردی که به گواهی تاریخ در راه شناسایی فرهنگ، تاریخ و دین زرتشتیان گامهایی بلند برداشت. او از خانواده ای ایرانی بود که در هندوستان چشم به جهان گشود و در هفت سالگی برای آموختن زبان فارسی به ایران آمد و بعد از چندسال به هندوستان بازگشت و زیر نظر دینشاه ایرانی در زمینه های گوناگون به فعالیت پرداخت و همچنین با حضور استاد ابراهیم پورداوود به آموخته هایش افزوده شد. او در طول زندگی خود همواره به دنبال تحقیق و آموختن بود و هیچ گاه از این امر غافل نشد از جمله کتابهای ارزشمند او تاریخ زرتشتیان فرزندگان زرتشتی و پرستشگاه های زرتشتیان است که گواهی بر این ادعا است و در کنار این دو کتاب می توان به تطبیق خرده اوستا با نسخ قدیمی موجود به خط دین دبیره و همچنین ترجمه گاتها اشاره نمود که ارزش کار وی را دو چندان می نماید.

استاد رشید شهردان بیشتر سالهای زندگی خود را در مکان های گوناگون ایران، هندوستان و ... به تحقیق و پژوهش پرداخت. حاصل زندگی ایشان ۶ فرزند، سه پسر بنام های بهمن، بهرام و سروش و سه دختر بنام های آب نئیر، پروین و نرگس می باشد. استاد رشید شهردان چند سال پایان عمر خود را در آمریکا گذراند و در روز ۲۱ آذرماه ۱۳۶۲ چشم از جهان فرو بست.

## فهرستی از آثار استاد رشید شهردان

- |                                     |   |
|-------------------------------------|---|
| ۱. حرف راست                         | ۱۸. دانستنیهای آیین زرتشتی              |
| ۲. دساتیر کتاب آسمانی نیست          | ۱۹. اوستای فره وشی                      |
| ۳. پیامبری زرتشت                    | ۲۰. آثار مهر پرستی در دین ایزدی و پرستش |
| ۴. فرزندگان زرتشتی                  | شیدان نه شیطان                          |
| ۵. خرده اوستا (به الفبای دین دبیره) | ۲۱. بازگشت روان در اسلام                |
| ۶. خرده اوستا (به الفبای فارسی)     | ۲۲. سیر تکامل تدریجی روح                |
| ۷. خرده اوستا (با ترجمه فارسی)      | ۲۳. ازدواج و سلوک                       |
| ۸. تعلیمات زرتشت                    | ۲۴. کلیسای نتردام                       |
| ۹. آتش و آتش پرستی                  | ۲۵. دیوید کاپرفیلد                      |
| ۱۰. خورشید نگرشنی                   | ۲۶. بهترین چهره زندگی                   |
| ۱۱. اصول سه گانه مزدیسنی            | ۲۷. مسرت بشر                            |
| ۱۲. پرستشگاه زرتشتیان               | ۲۸. هیچ چیز و همه چیز                   |
| ۱۳. زرتشت و همزمانان او در ودا      | ۲۹. هفتاد گل                            |
| ۱۴. سال دینی زرتشتیان               | ۳۰. پرتو حقیقت                          |
| ۱۵. زادبوم زرتشت                    | ۳۱. رامای                               |
| ۱۶. فهرست کتابهای دینی زرتشتیان     | ۳۲. در قدم استاد                        |
| ۱۷. تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان   |   |

## چکیده نوشتار جناب آقای شهریار هیربد

بر شما بهدینان درود و بر شما درود ای جوانان و نوجوانان وارسته در انجمن یانش وران مانتره یزد که حق مطلب را به خوبی ادا می کنید و پشت سالمندان را گرم و قامت استوار دین را برافراشته نگه می دارید. بازماندگان پیروان اشوزرتشت را امید می دهید، رشید شهردان ها را قدر می نهید و آیین گذشتگان را احیا می کنید و اگر دیگران حرف می زند شما عمل می کنید. اگر این بنده ناچیز بخواهد ارزش والای انوشه روان رشید شهردان را بر روی کاغذ بیاورد نه تنها واژگانی را در خور او نمی یابد بلکه جز اظهار و اعتراف عجز نتیجه ای حاصل نمی شود. فقط در یک عبارت می گوید رشید شهردان فردوسی دوم بود با این تفاوت که فردوسی تاریخ زرتشتیان پیش از اسلام را زنده کرد و شادروان کیخسرو شاهرخ به همت دیگر دولتمردان مملکت آرامگاهی برای آن روانشاد در توس ساختند و تندیس هایی از وی در شهرها و نیز نام وی را بر خیابانها نهادند و آموزشکده و دانشگاه ها به پاس بزرگداشتش ایجاد کردند و رشید شهردان تاریخ زرتشتیان را پس از اسلام زنده نمود و فرزندگان را یاد کرد و ما هیچ یادش را گرامی نداشتیم و حتی سپاسگزاری هم نکردیم شاید به ما نیاموخته بودند و شاید خبر از نوشتار آن شادروان نداریم یعنی مطالعه نکرده ایم. شادروان رشید شهردان آنکه نه هراسید و نوشت و هرچه بیشتر بدست می آورد بیشتر می بخشید، هر چه بیشتر می نوشید، بیشتر تشنه می شد.

آثار و نوشته های فراوان از خود به جا گذاشت نوشتاری که مایه افتخار و گنج شایگانی است برای آیندگان و چون خورشیدی روشنگر فراروی ما در این برهه زمان که اگر مطالعه کنیم متوجه می شویم که چه داشته ایم، چه بوده ایم و اکنون چه هستیم.

## چکیده نوشتار «آسرونان» از جناب آقای کامران لریان

کسیکه درپرتو راستی و پاکی هرکاری را چون پرستش پروردگار انجام دهد، از دیدگاه هستی بخش دانای بزرگ بهترین هستی هاست. کسانیکه در گذشته و حال چنین بوده و هستند آنان را با احترام و به نام یاد کرده و کوشش خواهیم کرد با کردار نیک به مقام والای آنها برسیم.

هات ۵۱-بند ۲۲  
بمنظور ایجاد نظم و ترتیب در امر کشور و آسان کردن کار رسیدگی بحال مردم و تقسیم وظائف ومسئولیتهای اولیای امور از زمانهای خیلی دور قاطبه مردم ایران به سه دسته تقسیم و برای هر طبقه رئیس و سرپرست ویژه ای معین و برقرار شده بود که همه کارهای وابسته به آن طبقه را انجام داده و به خواستها و احتیاجات مردمی که در تحت سرپرستی او بودند رسیدگی نموده و جوابگوی بی نظمی ها و عدم وصول مالیات طبقه زیر سرپرستی خود بود. این سه طبقه عبارت بودند از روحانیون، سپاهیان و کشاورزان. طبقه روحانیون عبارت بودند از کلیه موبدان و همه اشخاصی که در کارهای مذهبی تبحر داشتند و مراسم آئینی را برگزار مینمودند.

موبد که در اوستا مغوپتی *moghoo paiti* ودر پهلوی مگوپت *magopat* ودر عربی مجوس ودر نوشتجات پارسی مخ گفته و نوشته شده نام ویژه روحانیون زرتشتی است. وظیفه مهم موبدان تلاوت اوستا و اجرای مراسم مختلف مذهبی بود و ضمناً امر تبلیغ و شناساندن اصول مذهب هم به آنها واگذار بود. موبدان در شهرهای کوچک و بزرگ ایران انجام وظیفه مینمود و عده ای از آنها هم بموجب شهادت ویسپرد کرده ۱۲ بند ۱۹ برای انجام وظائف مذهبی به دهات دور و نزدیک می رفتند و تعدادی از آنها هم به کشورهای هم جوار و دور دست بمنظور تبلیغ اعزام میشدند.

سرپرستی همه موبدان هر شهر و بطور کلی ریاست تمام روحانیون زرتشتی هر محل با موبدان موبد آنجا بود. اما روشن است که مغان، اندیشمندان و روحانیان جهان دیرین بوده اند و از طریق نسلهای متوالی آموزش و میراث علم این خاندانها است که سنت قرون و اعصار دیرین زنده مانده و شاید حتی ایجاد شده و اینک بخشی از آن، که در واقع نمی دانیم بخشی بزرگ است یا کوچک از آنچه بوده است، به دست مارسیده. در روزگاران دشوار گذشته ایفای نقش حافظان فرهنگ و سنت کهن آسان نبوده است. فقط تصور بفرمایید که برای چشمی که عینک نداشته، قلمی که تهیه مرکب آن دشوار بوده و باز نویسی کهنه کتابی که خریدن کاغذ نایاب و شمعی که گران به شمار می آمده و نور کمی می افشانده است، چه رنجی کشیده و چه بهای سنگینی از ایمان و جا پرداخت شده است! اینان که نخست راهبری اندیشه و تفکر ایران و گاهی به تعبیری جهان را در دست داشته اند و سپس تکلیف و بار سنگین نگاهداری و انتقال سنت عظیم دینی و آیینی را بر دوش کشیده اند، اینک باز ماندگانشان چه می کنند؟

## چکیده نوشتار جناب آقای موبد پدram سروش پور

بدون شک مهم ترین قسمت جامعه زرتشتی که در طول قرن ها این دین اهورایی را از گزندهای گوناگون دور نگاهداشته است موبدان می باشند. افرادی که با توجه به مسوولیت تاریخی و فرهنگی بسیار مهمشان با ایمانی مثال زدنی و اندیشه ای والا آیین اهورایی اشوزرتشت را در طول ۳۷۴۳ سال گذشته با کمترین نفاق، حافظ بوده اند.

انجمن مغان را که زرتشت بنیاد نهاد در طول ایام جایگاهی والا برای گسترش دین بهی یافت و آنها برگزار کنندگان آیینهای مقدس، نگاه دارندگان اوستا و دانشمندان علوم مختلف زمان خود بودند. اگر بعد از حمله اسکندر باز اوستا جمع آوری شد به همت این موبدان بود و بعد از ورود اسلام به ایران، پاسداران دین کهن زرتشت از بدمنشی های امویان و عباسیان (که به وارثان واقعی پیامبرشان یعنی امامان شیعه نیز رحم نکردند) و حمله مغول و تاتارها و... و دلگرم کننده زرتشتیان همانا موبدان بودند به نوعی که باید گفت هیچ اجتماعی را بدون وجود موبد نمی توان زرتشتی نامید و اگر موبد و دانش او نباشد دیگر امکان اجرای مراسم و جشن های مختلف دین زرتشتی وجود ندارد و به گواه تاریخ آن جامعه دیگر جامعه زرتشتیان نیست. از یاد نبریم که موبدان در به دست آوردن علوم دیگر نیز سرآمد جامعه خود بودند به نوعی که در گذشته ای نه چندان دور خانه موبدان جایگاهی بود برای آموختن و اگر امروز موبدان جایگاه دیروز خود را ندارند به علت فاصله ای است که در دانش مدرن با دیگران دارند.

اما سنتی بسیار کهن در بین موبدان وجود دارد و همانطور که می دانید عبارت است از موروثی بودن موبدی. در عین حال که ما باید حافظ سنتها باشیم. چون ریشه و هویتمان هستند اما نباید دچار سنت زدگی نیز بشویم و اصرار غیر منطقی و بیش از حد بنماییم، بدون شک سنت مورد نظر از مهم ترین دلایلی است که باعث پایداری و بقای جامعه زرتشتی در طول سختی های بی شمار شده است و در عصر حاضر نیز همین سنت می تواند ما را از گرفتاریهای بسیاری برهاند. امروز در زمانی که موبدیاران در جامعه جایگاه خود را به دست آورده و می توانند عضو کنکاش موبدان نیز باشند و مراسم مختلف دینی را انجام دهند دیگر نمی توان موروثی بودن موبدان را سنت زدگی خواند زیرا عملاً تفاوتی بین موبدان و موبدیاران وجود ندارد. اگر موبدان زرتشتی در طول تاریخ به زراندوزی روی نیاورده اند و به دنبال جاه طلبی نبوده اند، اگر امروز جامعه زرتشتی چندین فرقه ندارد و همبستگی دارد دلیل آن در همین سنت است، سنتی که موبدانی تربیت کرده تا قبل از موبد شدن، موبد بودن را بفهمند.

## چکیده ای از سخنرانی آقای دکتر کسرا وفاداری

به عقیده زرتشتیان در گستره زمان کسانی با نام سوشیانت ظهور می کنند که منشأ خیر و برکت فراوان برای جامعه بشری خواهند شد. این افراد کسانی هستند که با شجاعت و تلاشی که از خود نشان می دهند باعث پیشرفت و بهبود اوضاع اجتماعی فرهنگی و دینی زمان خود شده اند. چه بسیارند کسانی همچون فردوسی، کیخسرو شاهرخ، مانکجی و... که به گواهی تاریخ قدمهایی استوار و شجاعانه در راه رسیدن به هدفهایی والا برداشته اند. هرکس بنا بر موقعیت خود می تواند سوشیانت ( به معنای سود رسان، پویا کننده و سازنده ) باشد. مادری که با تلاش های خود باعث تربیت فرزندان دلیر، کاردان و دانشمند می شود نیز در نوع خود یک سوشیانت به شمار می رود.

استاد رشید شهردان نیز که با تلاشی شجاعانه در عصر خود باعث تحولات شگرفی در مسائل فرهنگی و دینی زرتشتیان شد را نیز می توان یک سوشیانت نامید، تلاش هایش را ارج نهاد و آرزو کرد که شاهد حضور افرادی تأثیر گذار مانند استاد شهردان در جامعه زرتشتی باشیم.

## چکیده نوشتار سرکار خانم گوهر تاج کوچکی ( خادم )

ای مزدا- خداوند خرد- من ستایشگر تو بوده و تا زمانیکه مرا تاب و توان است به راه راستی خواهیم رفت و ستایشگر تو خواهیم ماند. بشود که آفریننده جهان در پرتو منش پاک بهترین آرزو و خواست درست کرداران را که پیشرفت و آبادانی جهان است بر آورده سازد.

یسناسنا ۵۰ بند ۱۱

آموزگاران دینی در جامعه امروز هم در عمل و هم در گفتار نقشی مشابه موبدان را ایفا می نمایند. کودک در هنگام ورود به دبستان با هزاران پرسش روبرو است. او باید بداند، بیاموزد و بفهمد عظمت و بزرگی فرهنگ کهن زرتشت را و پی ببرد به زیبایی ها و فلسفه های نهفته در این دین یکتایی را. برای این آموختن نیاز است به آموزگاری دلسوز، آگاه و عاشق فردی که درک نموده باشد و خود بتواند بیاموزد کسی که از تاریخ دین زرتشت تا آداب و سنن مختلف، جشن ها و آیین های گوناگون را به شیوایی بتواند توضیح دهد. فردی که بتواند دشواری های نیاکان ما، سینه به سینه نقل کردن اوستا و آزار و اذیت زرتشتیان در طول تاریخ پر فراز و نشیبشان را به گونه ای واقعی بیان نماید.

آری آموزگاران دینی الگوی مناسبی برای فرزندان زرتشتی می باشند پس باید سعی نمود در حل مشکلات گوناگون زندگی آنها را یاری داد تا بتوانند به وظیفه مهم خود بپردازند.

از طرف دیگر این وظیفه موبدان است که سنتها، آداب و تشریفات دینی را حفظ نمایند و باعث استواری، یگانگی و همبستگی میان بهدینان شوند. موبدان باید با برخورداری از دانش بالایی پاسخگوی سئوالات گوناگون مردم باشند و بتوانند به خوبی و درستی مراسم و جشنهای مختلف را برپا نمایند و با سخنرانی های خود گامی محکم را در راستای روشن ساختن زرتشتیان بردارند. موبدان نیز نیازمند حمایت های گوناگونی هستند تا بتوانند بهتر از گذشته به وظایف خود جامه عمل ببوشانند.

پس بر ماست تا این دو قشر جامعه را تشویق نماییم زیرا کارایی دینی را در سطح جامعه بالا می برد.

## چکیده نوشتار آقای موبدیار رستم خسرویانی

این نوشتار با سرفصل های گوناگونی به ارائه زندگی نامه ای از رشید شهردان، فعالیتهايش، آثارش، اندیشه ها و ویژگی های شخصی آن بزرگمرد می پردازد.

در سال هایی که هنوز نمی دانستیم از زندگی چه می خواهیم استاد رشید شهردان به خرمشاه آمده بود. ما گروهی جوان بودیم که به دنبال راه درست زندگی می گشتیم و او آمد و برایمان از اشوزرتشت گفت، از اندیشه های اشوزرتشت و از ما می خواست اوستا و گاتها را بیاموزیم و بخوانیم و دین را ارج گذاریم.

رشید شهردان متولد کشور هندوستان می باشد و روز ۵ آوریل ۱۹۰۵ دیده به جهان گشود. در هفت سالگی به همراه پدرش به ایران می آید تا فارسی بیاموزد و سپس به بمبئی بر می گردد و زیر نظر دین شاه ایرانی سلیسیترا در زمینه تعلیمات دینی و فلسفه صاحب اطلاعات گردید. وی در کارهای ادبی و فارسی آن فرزانه را یاری نمود و از دانش استاد پوراوود و ایشان بهره های فراوانی برد. خاندان او با نام بهرامشهری معروف است و نیاکانش از مردم روستای حسینی در حومه تفت می باشند. استاد شهردان نه تنها در مجامع زرتشتیان شهرهای مختلف کشور شرکت فعال داشت بلکه در مراکز علمی همچون دانشگاه های شیراز، صنعت نفت آبادان، انجمن فرهنگ ایران باستان در تهران و کنگره هایی مانند ابن سینا، بیرونی، فرهنگ ایران، تاریخ ایران، پایدگی ایران و مهر شناسی با ارائه نوشتارهای پژوهشگرانه خود شرکت می کرد. از فعالیتهای مطبوعاتی استاد می توان به مقاله های متعدد ایشان در هوخ توجیه نمود که تا آخرین روزهای عمرش تداوم داشت. در این نوشتار به ۲۷ اثر که توسط استاد رشید شهردان نگارش شده اشاره شده است و همچنین ۱۸ اثر که ترجمه ایشان است.

کتاب تاریخ فرزندان زرتشتی را بار دیگر به آرامی ورق می زنم، فرزانه ای، که خود در پی فرزندان دیگر، رنج سفر را به جان می خرد. توشه ای کم از مال دنیا دارد اما با قلبی سرشار از عشق، کاری بزرگ را آغاز می کند. می داند تجربه های تلخ و شیرین نیاکان بهترین یادگار و سرمایه جوان است. در اندیشه او هر کس که اندیشه و گفتارش و کردارش نیک باشد، هر کس که راه اش را بیاماید، پیرو راستین اشوزرتشت است به هر رنگ و نژاد و قوم و سرزمین که باشد. او آثاری ماندگار را می نویسد و ترجمه می کند تا به آسانی در اختیار دیگران قرار گیرد و امروز آن همه تلاش و از خودگذشتگی، بر ما وظیفه ای بس بزرگ نهاده است. پیمودن راه تحقیق و جستجو. راهی که به علت سختی ها و مشکلاتش متأسفانه رهروانی کم دارد. امید آن که هر کس به اندازه توان خود در این راه قدم گذارد، یکی با توان قلم و اندیشه خود و دیگری با بذل مال خود. باشد تا به یاری یکدیگر رهروانی شایسته باشیم و سختی راه را برای یکدیگر هموار سازیم.

## چکیده نوشتار جناب آقای بوذرجمهر پرخیده

استاد رشید شهردان، از موبدان فرهیخته و تاریخدان زرتشتی بودند که میان ایران شناسان و دانشمندان پارسی هند از محبوبیت خاصی برخوردار بودند و به واسطه همکاری نزدیک با بزرگان پارسی هند، از جمله همکاری و کار با دینشاه ایرانی سلیسیترا، در میان پارسیان به عنوان دانشمند دینی زرتشتی شناخته شده بودند.

تسلط ایشان به زبان های فارسی، انگلیسی و به ویژه گجراتی قدیم، سبب شده بود تا بتوانند بسیاری از کتابهای پایه ای تاریخ و فرهنگ زرتشتی را از زبان های انگلیسی و گجراتی گزیده کرده و برای استفاده ایرانیان به فارسی برگردانند.

رشید شهردان در شانزدهم فروردین ماه ۱۲۸۴ خورشیدی (یا به عبارتی ۱۲۷۴ یزدگردی) در بمبئی به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل پرداخت. در هفت سالگی برای تحصیل فارسی به ایران آمد.

از رشید شهردان به زبان فارسی و انگلیسی مقالات و کتابهای فراوانی به چاپ رسیده است. سه کتاب او بسیار پر اهمیت و ارزشمند هستند:

۱. تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان

۲. فرزندگان زرتشتی

۳. پرستشگاه های زرتشتیان

این سه کتاب جمعاً بالغ بر هزار صفحه می شود که تاریخ جامعی است از زرتشتیان و بزرگانی که باعث پویایی جامعه در گذشته و حال شده اند. در واقع یک دوره کامل تاریخ معاصر زرتشتیان را می توان در این سه کتاب یافت. چاپ این کتابها متأسفانه به روز نیست و بعضی از آنها هم در دسترس خوانندگان قرار ندارد که باید با چاپی مناسب در اختیار خواستاران قرار گیرد.

علاوه بر کتابهایی که هر کدام ارزش و اهمیت خود را دارند، استاد رشید شهردان مقالات فراوانی در مجلات معتبر ایران شناسی به چاپ رسانده اند که فهرست و نشانی کامل آنها در مقاله مورد نظر آمده است. از آنجایی که این مقالات دارای ارزش های فراوانی هستند، لازم است که جمع آوری، ویرایش، مرتب و برای چاپ آماده گردند و خیراندیشان همت کنند و آنها را به صورت کتابی در خور شأن استاد شهردان به چاپ برسانند.

بی شک شهردان در زمینه تاریخ و فرهنگ زرتشتی، نوشته و مقالاتی دارند که هنوز چاپ نشده است. با پیگیری ها و جستجو در ایران و آمریکا باید دست نوشته های این دانشمند را یافت و آماده چاپ کرد. مگر ما در طول تاریخمان چند نفر شهردان داریم و چند نفر شهردان خواهیم داشت.

## چکیده نوشتار «بازارابی جهان» از خانم دکتر کتابون نمیرانیان

این نوشتار در ابتدا به دو مفهوم سوشیانت و فرشه می پردازد و به طور جداگانه معانی آنها را به صورت مفرد و جمع در گاهان، اوستای جدید و متون فارسی میانه مانند: دینکرد، بندش و ... می آورد.

سخن از سوشیانتی نوآور است که با زدودن رسوبات کهنه از ذهن ما، درخشش بنیادین گاتها را پدیدار کند. باورهای قرص و محکمی که در گاتها بیان شده در طول تاریخ بنا بر سلیقه مردم تغییر کرده است. برای مثال در مورد همین دو مفهوم سوشیانت و فرشه که بسیار مطرح و مورد توجه بوده اند زیاد صحبت شده و اسطوره های گوناگونی ساخته شده است.

افرادی همچون موبد رشید شهردان که گاتها را ترجمه نموده اند در حقیقت به دنبال زدودن این رسوبات و نو کردن آداب و رسوم این آیین کهن بوده اند.